

پانخامه درس آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی

آزمون قضاوت (جذب عمومی) ۱۳۹۷

تنظیم: محسن دیانژاد

آیین دادرسی کیفری و اجرای احکام کیفری

۹۱- «الف» مرتکب ربودن یک طفل ۳ ساله (با مجازات قانونی ۱۵ سال حبس) در قم، سرقت مقرون به آزار (با مجازات قانونی ۳ ماه تا ۱۹ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) در کرج و معاونت در قتل عمدی (با مجازات حبس تعزیری درجه دو یا سه) در تهران شده است که قتل عمد فوق، توسط «ب» در رامسر ارتکاب یافته است. دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهامات «الف» کدام است؟

- ۱) کیفری یک رامسر و در صورت عدم تشکیل، نزدیکترین دادگاه کیفری یک در همان استان
- ۲) کیفری یک رامسر و در صورت عدم تشکیل، دادگاه کیفری یک مرکز استان
- ۳) به ترتیب دادگاه کیفری یک تهران، قم و کرج
- ۴) کیفری یک تهران

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد مواد ۳۱۰ و ۲۹۶ ق.آ.د.ک. ماده ۳۱۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»

ماده ۲۹۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می‌شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- دادرسی علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.

تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است.»

*محل وقوع جرم جایی است که رفتار فیزیکی، ارتکاب یابد و تحقق نتیجه مؤثر در مقام نیست و چون رفتار فیزیکی در رامسر تشکیل شد و جرم از جرایم مزبور در ماده ۳۰۲ قانون مزبور است، فلذا دادگاه کیفری یک رامسر صالح به رسیدگی است و در صورت عدم تشکیل به استناد تبصره یک ماده ۲۹۶، نزدیکترین دادگاه کیفری یک در آن استان صالح به رسیدگی است.

۹۲- کدام مورد در خصوص پذیرش کفالت اشخاص حقوقی در پرونده کیفری صحیح است؟

- ۱) در صورتی که ملائت شخص حقوقی به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه‌الکفاله محل تردید نباشد، بلامانع است.
- ۲) بدون توجه به ملائت شخص حقوقی و به طور مطل بلامانع است.
- ۳) در صورت عدم امکان دسترسی به شخص حقیقی بلامانع است.
- ۴) ممنوع است.

گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. اشعار می‌دارد: «کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه‌الکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر

دادستان میرساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می‌شود.

تبصره - پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.»

۹۳- چنانچه شخصی در حال حاضر رئیس دانشگاه یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است به اتهام ارتکاب جرمی در شهر ری که پیش از تصدی این منصب مرتکب شده است، تحت تعقیب قرار گیرد رسیدگی به جرم او و شریکش در صلاحیت کدام دادگاه است؟

(۱) جرم رئیس دانشگاه در دادگاه کیفری یک مشهد و جرم شریک در دادگاه کیفری تهران

(۲) هر دو جرم در دادگاه کیفری شهری

(۳) هر دو در دادگاه کیفری مشهد

(۴) هر دو در دادگاه کیفری تهران

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۱ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۰۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکتها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

ماده ۳۰۹ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمتهای مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.»

ماده ۳۱۱ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

تبصره - هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز

استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.»

*همانطور که فوق گفتیم محل وقوع جرم جایی است که رفتار فیزیکی، ارتکاب یابد و چون رفتار فیزیکی در شهر ری محقق شد و مرتکب جرم از اشخاص مزبور در ماده ۳۰۸ می‌باشد و به جرایم اشخاص مزبور در دادگاه مرکز استان رسیدگی می‌شود و شهر ری از شهرستانهای استان تهران است فلذا دادگاه تهران صالح به رسیدگی است و فرقی نمی‌کند در زمان تصدی مرتکب جرم شده باشند یا قبل از آن و طبق تبصره ماده ۳۱۱ هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاههای کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود فلذا به اتهامات هر دو در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

۹۴- «الف» پسر ۱۶ ساله، ارتکاب قاچاق مواد مخدر از سوی «ب» برادر ۲۰ ساله خود را تسهیل کرده است. در صورتی که مجازات قانونی جرم قاچاق مواد مخدر اعدام باشد، به جرایم ارتكابی توسط «الف» و «ب» در کدام مرجع قضایی رسیدگی می‌شود؟

- ۱) هر دو در دادگاه انقلاب
- ۲) هر دو در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان
- ۳) «الف» در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و «ب» در دادگاه انقلاب
- ۴) «الف» در دادگاه اطفال و نوجوانان و «ب» در دادگاه انقلاب

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۳۱۲ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۱۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

تبصره- در جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.»

ماده ۳۱۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « در صورتیکه اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است.»

۹۵- معاون شهرداری بابل به عنوان نماینده قانونی شهرداری به نام شهرداری و در راستای منافع آن در شهرستان بابل مرتکب جرمی می‌شود، به نحوی که جرم متوجه شخص حقوقی شهرداری نیز می‌باشد. دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام شهرداری کدام دادسرا است؟

(۱) بابل

(۲) ساری

(۳) دادسرای که زودتر رسیدگی را آغاز کرده باشد

(۴) دادسرای محل دستگیری معاون شهرداری

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۱۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»

۹۶- فردی موبایل کارکرده دیگری را سرقت و آن را تلف می‌کند. در صورت محکومیت مرتکب به پرداخت قیمت مال مسروقه قیمت چه زمانی ملاک اخذ از محکوم علیه می‌باشد؟

(۱) خرید محکوم له

(۲) سرقت

(۳) صدور حکم

(۴) اجرای حکم

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک.

تبصره ماده مزبور اشعار می‌دارد: «در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.»

۹۷- فردی که مرتکب جرم حق‌الناسی شده است، در اثنای تعقیب مبتلا به جنون می‌شود. چنانچه شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که وی در فرض افاقه هم نتواند از خود رفع اتهام کند، در مورد وی چگونه اقدام می‌شود؟

- (۱) صرفاً در صورتی که جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب ادامه می‌یابد.
- (۲) در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود.
- (۳) در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، بدون وکیل تعقیب ادامه می‌یابد.
- (۴) در هر صورت نیازی به تعیین وکیل تعیینی یا تسخیری نیست و تعقیب ادامه می‌یابد.

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۳ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیشبینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می گردد.

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد.»

۹۸- در کدام یک از موارد زیر، اصل بر غیر علنی بودن است؟

- ۱) تحقیق از شاکی و متهم و محاکمه در دادگاه کیفری دو
- ۲) تحقیق از شاکی و متهم نزد بازپرس و اجرای مجازات
- ۳) تحقیق از شهود و مطلعان و محاکمه در دادگاه کیفری یک
- ۴) تحقیق از شاکی و متهم و محاکمه در دادگاه نظامی و انقلاب

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۹۲ قانون مزبور اشعار می دارد: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافعی رسیدگی می شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی گری نماید.»

۹۹- شخصی مرتکب آدم ربایی (با کیفر قانونی ۵ تا ۱۵ سال حبس)، نگهداری سلاح گرم سنگین و مهمات آن (با کیفر قانونی ۵ تا ۱۰ سال حبس)، شرب خمر، معاونت در زنا به عنف (با کیفر قانونی حبس درجه دو یا سه) و ترک انفاق (با مجازات قانونی حبس تعزیری درجه ۶) شده است. برای وی چند قرار تامین صادر می شود؟

۱) یک

۲) دو

۳) سه

۴) پنج

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۲۱۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.»

*چون همه جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو است و این دو دادگاه از نظر صلاحیت ذاتی یکسان محسوب می‌شوند، فلذا یک قرار تأمین برای همه آنها صادر می‌شود.

۱۰۰- چنانچه اعضای شعبه دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به رأی فرجام خواسته، اجراز کنند که اتهام آدم‌ربایی مشمول مرور زمان شده است، چه تصمیمی می‌گیرند؟

۱) به علت ناقص بودن تحقیقات، رأی نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

۲) رأی را نقض و به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهند.

۳) رأی را نقض و قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کنند.

۴) رأی صادره نقض بلا ارجاع می‌شود.

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد قسمت ۱ از بند ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک.

ماده ۴۶۹ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض‌عنه یا فرجام خواسته، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند:

الف- اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با ابرام آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌نمایند.

ب - هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه-ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می کند:

۱- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می شود.

۲- اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می شود.

۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص میدهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.

۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم-عرض ارجاع می شود.

تبصره- در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را به علت نقص تحقیقات نقض می کند، مکلف است تمام موارد نقص تحقیقات را به تفصیل ذکر کند.»

۱۰۱- شخصی مرتکب جرم تعزیری درجه ۳ شده است، بازپرس دادسرای نظامی عقیده به عدم صلاحیت خود و صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب دارد. دادستان نظامی با این نظر مخالف است و معتقد به صلاحیت دادسرای نظامی است. حل اختلاف به عهده کدام مرجع است؟

(۱) دادگاه نظامی یک

(۲) دادگاه کیفری دو

(۳) دادگاه نظامی دو

(۴) اختلاف قابل تحقق نیست و مطابق نظر دادستان اقدام می شود.

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۲۷۱ و ۶۴۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۲۷۱ قانون مزبور اشعار می دارد: «مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.»

ماده ۶۴۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.»

۱۰۲- فردی در سن ۱۷ سالگی مرتکب جرم تعزیری می‌شود و به ۲ سال نگهداری در قانون اصلاح و تربیت محکوم می‌گردد. زمانی که رأی قطعی و لازم‌الاجرا می‌شود مشارالیه در سن ۲۱ سالگی است. اجرای رأی چگونه است؟

- ۱) اجرای احکام کیفری، مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق نظر دادگاه اقدام می‌شود.
- ۲) به زندان معرفی می‌شود و نحوه نگهداری آن به تشخیص شورای طبقه‌بندی زندان تعیین می‌شود.
- ۳) در بخش نگهداری جوانان در قانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود.
- ۴) در بند جوانان در زندان نگهداری می‌شود.

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۰۴ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

۱۰۳- اگر در دادگاه بخش و در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار اناطه صادر شود، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به این قرار، کدام مرجع است؟

- ۱) دادگاه تجدیدنظر استان
- ۲) دادگاه کیفری دو شهرستان
- ۳) این قرار قابل اعتراض نیست.

۴) اگر توسط رئیس دادگاه صادر شود، دادرسی علی‌البدل و اگر توسط دادرسی علی‌البدل صادر شود رئیس دادگاه

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۴۶ ق.آ.د.ک؛ نظر مخالف وجود دارد.

ماده ۲۴۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا نظارت قضائی صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.»

* البته برخی معتقدند که اصل بر قابل اعتراض بودن آرای است که اصدار آنها موجبات اضرار به غیر را فراهم می‌کند؛ فلذا قرار مزبور قابل اعتراض است و چون از سوی دادگاه صادر شد، قابلیت اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان را دارد.

۱۰۴ - صدور قرار بایگانی شدن پرونده در کدام یک از جرایم تعزیری درجه هفت و هشت ممکن نیست؟

- ۱) جرایم قابل گذشت
- ۲) جرایم فاقد شاکی خصوصی
- ۳) معاونت در جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی
- ۴) جرایم غیرقابل گذشت

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۸۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضائی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.»

۱۰۵ - در کدام مورد امکان اختلاف در صلاحیت بین مراجع قضایی وجود ندارد؟

- ۱) دادگاه کیفری یک با دادگاه انقلاب

۲) دادگاه کیفری دو با دادگاه کیفری یک

۳) دادگاه نظامی دو با دادگاه نظامی یک

۴) دادگاه نظامی دو با دادگاه انقلاب

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۶۰۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۶۰۰ قانون مزبور اشعار می دارد: «در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متمع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم الاتباع است.»

۱۰۶- «الف» در ضمن نزاع، یک چشم آقای «ب» را به عمد کور می کند. با رسیدگی در دادسرا به لحاظ فقدان دلیل اثباتی قرار منع تعقیب صادر می گردد. رسیدگی به اعتراض به این قرار در صلاحیت کدام مرجع است و تصمیم آن مرجع چه وضعیتی از حیث قطعیت دارد؟

۱) دادگاه کیفری یک - رأی صادره قابل اعتراض در دیوان عالی کشور است.

۲) دادگاه کیفری یک - رأی صادره قطعی است.

۳) دادگاه کیفری دو - رأی دادگاه قطعی است.

۴) دادگاه کیفری دو - رأی دادگاه قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است.

گزینه ۱ صحیح است.

مستنبط از ماده ۲۷۳ ق.آ.د.ک.

ماده ۲۷۳ قانون مزبور اشعار می دارد: «حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق العاده دادگاه صورت می گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است.»

۱۰۷- یک بسیجی هفده ساله در حال انجام وظیفه محوله مبادرت به بزه لغو دستور فرمانده خود (با محازات قانونی درجه ۶) نموده است. به اتهام وی در کدام دادگاه رسیدگی می شود؟

۱) اطفال و نوجوانان محل اقامت مرتکب

- ۲) نظامی دو با رعایت مقررات دادگاه اطفال و نوجوانان
- ۳) کیفری دو با رعایت مقررات دادگاه اطفال و نوجوانان
- ۴) اطفال و نوجوانان محل وقوع جرم

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۶۴۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۶۴۸ قانون مزبور اشعار می دارد: « مواردی که مقررات ویژه ای برای دادرسی جرائم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.»

۱۰۸- هرگاه نماینده قانونی یا وکیل شخص حقوقی، به موجب قانون، برای دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی، احضار شوند و حضور نیابند، ادامه رسیدگی چه وضعیتی می یابد؟

- ۱) رسیدگی با جلب بالاترین مقام مسئول شخص حقوقی ادامه می یابد.
- ۲) رسیدگی بدون حضور آن ها ادامه می یابد.
- ۳) رسیدگی تا حضور آن ها متوقف می شود.
- ۴) شخص حقیقی که مرتکب جرم شده است، جلب و رسیدگی با حضور وی به نمایندگی از شخص حقوقی ادامه می یابد.

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۶۸۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۶۸۸ قانون مزبور اشعار می دارد: «هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.

تبصره- فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی تواند نمایندگی آن را عهده دار شود.»

۱۰۹- «الف» به اتهام زنای به عنف، در دادگاه کیفری یک به طور مستقیم تحت تعقیب قرار می گیرد. دادگاه مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می کند. مرجع رسیدگی نسبت به اعتراض به این قرار کجاست؟

- ۱) دادگاه تجدیدنظر استان

- ۲) این قرار قطعی است.
- ۳) دیوان عالی کشور
- ۴) دادگاه کیفری یک هم عرض

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۵۴ مؤرخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۵.

۱۱۰- رسیدگی توسط دادرسی که دارای موارد رد است کدام اصل دادرسی را نقض می کند؟

- ۱) ترافیعی بودن دادرسی
- ۲) برائت
- ۳) استقلال
- ۴) بی طرفی

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۳ و ۹۳ ق.آ.د.ک.

ماده ۳ قانون مزبور اشعار می دارد: « مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند.»

ماده ۹۳ قانون مزبور اشعار می دارد: « بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»

۱۱۱- مباشرت بازپرس کرج در تحقیق از شهود حاضر در تهران، در صورتی که به تشخیص وی، مباشرت او در انجام تحقیقات ضروری باشد، چه حکمی دارد؟

- ۱) با موافقت دادستان کرج و هماهنگی رییس کل دادگستری تهران ممکن است.
- ۲) با موافقت دادستان کرج و هماهنگی با دادستان تهران ممکن است.
- ۳) مطلقاً ممنوع بوده و فقط با اعطای نیابت قضایی ممکن است.
- ۴) با موافقت رییس کل دادگستری البرز و هماهنگی با رییس کل دادگستری تهران ممکن است.

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۲۲ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۲۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضائی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند. در اینصورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورهای بازپرس هستند.»

۱۱۲- پس از توافق کتبی طرفین دعوی بر ساقط کردن حق تجدیدنظرخواهی آنان در کدام مورد مسموع نیست؟

- ۱) میزان مجازات تعیین شده
- ۲) صلاحیت محلی دادگاه
- ۳) صلاحیت قاضی صادرکننده رای
- ۴) صلاحیت ذاتی دادگاه

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۳۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۴۳۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام خواهی خود را ساقط کنند، تجدیدنظر یا فرجامخواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رای، مسموع نیست.»

۱۱۳- بازپرس شهرستان «الف» با اعطای نیابت به بازپرس شهرستان «ب»، تفهیم اتهام موضوع قتل عمد و صدور قرار بازداشت موقت را از وی می‌خواهد. بازپرس شهرستان «الف» پس از ملاحظه نیابت، دلایل را کافی برای تفهیم اتهام نمی‌داند. در این حالت چه اقدامی انجام می‌دهد؟

- ۱) مطابق با مفاد نیابت، تفهیم اتهام قتل عمد کرده ولیکن قرار وثیقه یا کفالت صادر می‌کند.
- ۲) ملزم است اظهارات شخص احضار شده را اخذ و قرار بازداشت موقت صادر نماید و پرونده را به همراه متهم به شهرستان «الف» ارسال کند.
- ۳) صرفاً اظهارات شخص احضار شده را اخذ می‌کند و پرونده را بدون قرار و تفهیم اتهام، به شهرستان «الف» اعاده می‌کند.
- ۴) مطابق با مفاد نیابت، تفهیم اتهام قتل عمد کرده و قرار بازداشت موقت صادر می‌کند.

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد قسمت اخیر ماده ی ۱۲۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۲۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضائی می‌تواند نوع تأمین را معین یا اختیار أخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به نظر خود، تأمین متناسبی أخذ می‌کند. همچنین در موردی که تقاضای أخذ تأمین نشده باشد، وی می‌تواند در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب أخذ کند.»

* از آنجایی که در ذیل ماده ۱۲۰ قانون مزبور آمده است، صدور قرار تأمین در فرضی است که بازپرس اتهام را متوجه مرتکب بداند، می‌توان گفت که در فرضی که دلایل کافی برای توجه اتهام به متشکی عنه نباشد، اساساً امکان تفهیم اتهام و متعاقب آن صدور قرار تأمین نیست فلذا بازپرسی که تحقیق از وی خواسته شده باید صرفاً اظهارات را جمع‌آوری کرده و به مرجع مزبور اعاده کند و در این فرض بهترین اقدام قضایی مزبور محسوب می‌شود چرا که حق تفهیم اتهام و صدور قرار با توجه به ذیل ماده ندارد و از طرفی دستور مرجع مزبور دال بر اخذ اظهارات و تحقیقات را نیز انجام داده و پرونده را به آن مرجع ارسال می‌کند و تخلفی هم در این فرض محقق نیست.

۱۱۴- «الف» در ورامین با تفنگ به سوی «ب» شلیک می‌کند. «ب» به محض رسیدن به بیمارستانی در تهران فوت می‌کند. دادسرای صالح برای تعقیب «الف» کدام است؟

۱. محل دستگیری مرتکب
۲. ورامین
۳. هر محلی که زودتر شروع به تعقیب کند.
۴. تهران

گزینه ۲ صحیح است.

مستبط از ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۱۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در

حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»

۱۱۵ - حضور نماینده دادستان در دادگاه کیفری یک چه وضعیتی دارد؟

۱. دادگاه مکلف به دعوت از دادستان است، در صورت عدم حضور بدون عذر موجه دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد و در صورت وجود عذر موجه، دادگاه مکلف به تجدید جلسه است.
۲. در صورت دعوت دادستان و عدم حضور با عذر موجه، با درخواست شاکی و موافقت متهم، تنها برای یکبار جلسه دادگاه تجدید می‌شود.
۳. دادگاه می‌تواند دادستان را دعوت به رسیدگی کند، در این صورت حضور دادستان الزامی است.
۴. دادگاه مکلف به دعوت از دادستان است ولی عدم حضور وی به تشخیص دادگاه مانع از ادامه رسیدگی نیست مگر آن که دادگاه، حضور او را لازم بداند.

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۳۰۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۳۰۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در تمامی جلسات دادگاه‌های کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند، مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد که در این مورد و در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده او الزامی است، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند.»

حقوق جزای عمومی

۱۱۶. «الف» به «ب» توهین می‌کند. در مرحله رسیدگی «الف» از «ب» مشروط به حفظ یک جزء از قرآن گذشت می‌کند. این گذشت چه تأثیری بر صدور حکم و اجرای مجازات دارد؟

۱. مانع صدور حکم و اجرای مجازات نیست
۲. مانع صدور حکم است، مگر شرط محقق نشود
۳. مانع صدور حکم نیست ولی اجرای مجازات منوط به عدم تحقق شرط است

۴. همواره مانع صدور حکم است

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد تبصره ماده ی ۱۰۱ ق.م.ا.

ماده ۱۰۱ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

تبصره ۱- گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود.

تبصره ۲- تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است.»

۱۱۷. در ضمن یک جنگ، فرمانده به طور غیرقانونی به سرباز خود دستور تیرباران اسیران را می‌دهد و او را تهدید می‌کند که در صورت عدم انجام دستور، از ارتش اخراج و محکوم به اعدام خواهد شد. سرباز ۶ نفر اسیر را تیرباران می‌کند. مسئولیت سرباز چیست؟

۱. به مجازات قتل عمد محکوم می‌شود

۲. به دلیل امر آمر قانونی، مسئولیت ندارد

۳. در صورتی که کتباً غیرقانونی بودن دستور را اعلام کرده باشد مسئولیت ندارد

۴. به دلیل اکراه مسئولیت ندارد

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۵۹ ق.م.ا.

ماده ۱۵۹ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را بهعلت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.»

۱۱۸. «الف» در ضمن بازی فوتبال بر خلاف مقررات آن بازی از پشت، عمداً به پای «ب» ضربه‌ای زده و پای وی می‌شکند. «الف» چه مجازاتی دارد؟

۱. دیه و حسب مورد، تعزیر

۲. به علت آن که حادثه ضمن عملیات ورزشی بوده مسئولیت ندارد

۳. در صورت اخذ رضایت از بازیکنان پیش از بازی، وی مسئولیت ندارد

۴. قصاص و تعزیر

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد بند «ث» ماده ی ۱۵۸ ق.م.ا.

ماده ۱۵۸ قانون مزبور اشعار می دارد: « علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.

ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست..»

۱۱۹. آقای «الف» در سن ۱۱ سالگی مرتکب جرمی می شود که مجازات آن ۶ ماه تا ۳ سال حبس است. در

۱۹ سالگی جرم مذکور کشف می شود. محکومیت وی چگونه تعیین می شود؟

۱. به مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می شود

۲. امکان صدور حکم محکومیت وجود ندارد

۳. به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می شود

۰۴. به یکی از اقدامات تربیتی مذکور در قانون محکوم می‌شود

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا.

ماده ۸۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (یا) (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.»

* هر چند که طراح سوال به علل سقوط مجازات اشاره ای نکرده است و از طرفی بنظر اقدامات تامینی و تربیتی مشمول مرور زمان نمی شوند و آخر اینکه طراح محترم سوال با طرح گزینه های مزبور به دنبال نوع اقدام تامینی و تربیتی است نه امکان یا عدم امکان اقدام تامینی و تربیتی بنا به علل سقوط مجازات یا نوع جرم ارتكابی.

لکن برخی معتقدند که چون میزان مجازات پیش بینی شده در فرض سؤال درجه ۵ محسوب می شود و مدت مرور زمان تعقیب جرائم درجه ۵ طبق ماده ۱۰۵ ق.م.ا، ۷ سال است و مدت کشف جرم نیز از ۷ سال تجاوز کرده است فلذا امکان محکومیت چنین شخصی وجود ندارد و گزینه ۳ صحیح است.

۱۲۰. آقای «الف» ۱۶ ساله و خانم «ب» ۱۱ ساله مبادرت به رابطه نامشروع از نوع تقبیل با کیفر قانونی تا ۹۹ ضربه شلاق می نمایند. دادگاه مجازات آن ها را معلق می کند. آیا این حکم صحیح است؟ چرا؟

۱. بلی. تعلیق در همه جرایم نوجوانان ممکن است

۲. خیر. جرایم مستوجب شلاق قابل تعلیق نیست

۳. خیر. جرم منصوص شرعی است

۴. نسبت به الف نادرست و نسبت به ب صحیح است. تعلیق در همه جرایم افراد زیر ۱۵ سال مجاز و نسبت به اشخاص بالاتر از ۱۵ سال در این جرم، ممنوع است.

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۹۴ و تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.

ماده ۹۴ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «تبصره ۲ - اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.»

۱۲۱. تعلیق مجازات نسبت به کدام جرم ممکن است؟

۱. تحصیل داده‌های سری

۲. دایر کردن مرکز فساد

۳. معاونت در سرقت حدی

۴. معاونت در نشر گسترده اکاذیب که منجر به ورود خسارت عمده به اموال افراد شود

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۷ ق.م.ا.

ماده ۴۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال.»

۱۲۲. در کدام مورد، عدم مجازات مباشر در عدم مجازات معاون مؤثر است؟

۱. عفو خصوصی ۲. صغر ۳. جنون ۴. دفاع مشروع

گزینه ۴ صحیح است.

مستبطن از تبصره ۳ و صدر ماده ی ۱۵۶ ق.م.ا.

ماده ۱۵۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریبالوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.»

*در عل موجهه ی جرم همچون دفاع مشروع، عنصر قانونی جرم زایل می‌شود از اینرو جرمی ارتكاب نمی‌یابد تا بگوییم معاونت در جرم لکن در علل رافعه مسؤولیت کیفری، عنصر روانی جرم به دلایل شخصی زایل می‌شود از اینرو به دلیل تحقق رکن قانونی جرم، تأثیری در حق سایر شرکاء و معاونین ندارد.

۱۲۳. در مورد کدام مجازات، کیفر معاون از نوع کیفر مباشر است؟

۱. انفصال دائم ۲. شلاق ۳. مصادره اموال ۴. انتشار حکم محکومیت

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد تبصره ۱ ماده ی ۱۲۷ ق.م.ا.

ماده ۱۲۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

تبصره ۱- در مورد بند(ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند(ت) این ماده اعمال می‌شود.»

۱۲۴. اگر چه جرمی موجب می‌شود مکره، به مجازات فاعل جرم محکوم شود؟

۱. شرب خمر
۲. زنا با فردی غیر از مکره
۳. جعل سند رسمی
۴. قتل عمد

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۵۱ ق.م.ا.

ماده ۱۵۱ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.»

۱۲۵. در خصوص مجازات جایگزین حبس، کدام مورد صحیح است؟

۱. محکومیت همزمان به حبس و شلاق، مانع صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست

۲. ملاک تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین، مجازات مذکور در حکم است

۳. محکومیت همزمان به حبس و شلاق، تنها در جرم عمدی، مانع صدور حکم به مجازات جایگزین است

۴. تعدد جرایم عمدی، همواره مانع صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۷۵ ق.م.ا.

ماده ۷۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.»

۱۲۶. فردی مرتکب جرمی عمدی با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۲ سال حبس و جرمی با مجازات قانونی یک تا ۳ ماه حبس شده است، مجازات وی چگونه تعیین و اجرا می‌شود؟

۱. قاضی ملزم است حداکثر مجازات هر دو را تعیین کرده و هر دو مجازات را اعمال می‌کند

۲. قاضی مجازات هر دو جرم را بین حداقل و حداکثر تعیین و هر دو مجازات اجرا می‌شود

۳. قاضی حداکثر مجازات هر دو جرم را تعیین و مجازات اشد را اعمال می‌کند

۴. برای جرم اول، بین حداقل و حداکثر و برای جرم دوم، مجازات جایگزین حبس تعیین و هر دو اجرا می‌شود

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۱۳۴ و تبصره ۴ ذیل آن ماده و نیز ماده ۶۵ ق.م.ا.

ماده ۶۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.»

ماده ۱۳۴ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد.»

در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یکچهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد.

تبصره ۱- در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود.

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.

تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.

تبصره ۴- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد.»

۱۲۷. اگر پدری برای نجات جان فرزندش، راننده‌ای را با تهدید جانی، اکراه غیرقابل تحمل کند که آن‌ها را به بیمارستان برساند، اقدام پدر از جهت تهدید جانی راننده منطبق با کدام مانع مسئولیت کیفری است؟

۱. احسان ۲. دفاع مشروع ۳. اکراه ۴. اضطرار

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۱۵۲ ق.م.ا.

ماده ۱۵۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری بهمنظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره- کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.»

۱۲۸. شخصی به جهت ارتكاب معامله مال مسروقه (با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) به طور قطعی به دو سال و نیم حبس و ۴۵ ضربه شلاق محکوم شده است. پس از تحمل شلاق و یک‌سوم حبس، بقیه مجازات حبس او مشمول تعلیق اجرای مجازات شده است. او در دوران تعلیق

مرتکب خیانت در امانت (با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۳ سال حبس) می‌شود. بر اساس مقررات تکرار جرم، مجازات قانونی وی کدام است؟

۱. حبس از سه سال تا ۴ سال و شش ماه

۲. چهار سال و شش ماه حبس

۳. سه سال حبس

۴. مشمول تکرار نمی‌شود و مجازات مرتکبین بین شش ماه تا ۳ سال معین می‌شود

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۳۷ ق.م.ا.

ماده ۱۳۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»

۱۲۹. کدام یک از موارد زیر، استثنایی در شخصی بودن مسئولیت کیفری است؟

۱. سردستگی در جرایم ارتكابی دیگران ۲. معاونت در جرم دیگری

۳. سبب اقوی نسبت به مباشر ۴. تقصیر در رابطه با نتیجه رفتار دیگری

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۴۲ ق.م.ا.

ماده ۱۴۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.»

۱۳۰. یک دختر ۱۴ ساله و یک پسر ۱۶ ساله، مبادرت به شرکت در احراق منزل مسکونی دیگری (با مجازات قانونی ۲ تا ۵ سال حبس) می‌کنند. طبق قانون چه ضمانت اجرایی برای این دو تعیین می‌شود؟

۱. برای هر دو، اقدامات تأمینی و تربیتی به تشخیص قاضی از ۲ تا ۵ سال اعمال می‌شود

۲. چون هر دو بالغ هستند به همان مجازات قانونی مقرر برای جرم محکوم می‌شوند

۳. برای دختر، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و برای پسر، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت با جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان

۴. برای دختر، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و برای پسر، تعیین حبس بر اساس مجازات قانونی جرم

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد تبصره ۱ ماده ۸۸ و بند «پ» ماده ۸۹ ق.م.ا.

ماده ۸۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (یا) (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.»

ماده ۸۹ قانون مزبور اشعار می دارد: « درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات های زیر اجراء می شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.»

۱۳۱. توبه در کدام یک از جرایم زیر در صورتی که ندامت و اصلاح مرتکب برای قاضی احراز شود موجب سقوط مجازات می‌شود؟

۱. معامله مال مسروقه (با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق)
۲. شروع به راهزنی (مجازات قانونی راهزنی، ۳ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه است)
۳. دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای (با مجازات قانونی حبس از ۹۱ روز تا یک سال و جزای نقدی از ۵ تا ۲۰ میلیون ریال)
۴. معاونت در آدم‌ربایی (مجازات قانونی آدم‌ربایی، ۵ تا ۱۵ سال حبس است)

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ۱۱۵ ق.م.ا.

ماده ۱۱۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: « در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.»

۱۳۲. کدام مورد در خصوص تفاوت تقلیل مجازات و تبدیل مجازات صحیح است؟

۱. تقلیل، تنها ناظر به حبس و تبدیل ناظر به همه مجازات‌هاست
۲. تقلیل ناظر به میزان مجازات و تبدیل، ناظر به نوع مجازات است
۳. تقلیل، منحصر به کاهش مجازات حبس از یک تا دو درجه و تبدیل، تغییر مجازات فارغ از نوع آن به نوع دیگر از یک تا سه درجه پایین‌تر است

۴. تقلیل، اختیاری و تبدیل، الزامی است

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۳۷ ق.م.ا.

ماده ۳۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.»

۱۳۳. معلمی یک دانش‌آموز پسر ۱۴ ساله را به توهین به یک معلم دیگر که مورد تنفر آن دانش‌آموز است، تحریک می‌کند. مجازات تحریک‌کننده کدام است؟

۱. حداکثر مجازات توهین ۲. به یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات توهین

۲. حداقل مجازات توهین ۴. حداکثر مجازات معاونت در توهین

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۱۲۸ ق.م.ا.

ماده ۱۲۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.»

۱۳۴. کدام مجازات به‌عنوان کیفر اصلی تعزیری، کیفر تکمیلی و به‌عنوان مجازات اشخاص حقوقی، امکان اعمال دارد؟

۱. مصادره اموال ۲. انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها

۳. محرومیت از حقوق اجتماعی ۴. توقیف وسایل ارتکاب جرم

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد بند «س» و تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا.

ماده ۲۳ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارت

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به‌نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

تبصره ۳- آییننامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون

توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

۱۳۵. «الف» به سه مجازات اعدام حدی، حبس حدی و شلاق تعزیری بابت توهین محکوم شده است.

اجرای مجازات وی چه حکمی دارد؟

۱. ابتدا شلاق تعزیری و سپس مجازات اعدام اجرا می‌شود

۲. تنها مجازات اعدام اجرا می‌شود

۳. تنها حبس و اعدام اجرا می‌شود

۴. ابتدا شلاق تعزیری و سپس حبس و پس از آن، اعدام اجرا می‌شود

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد تبصره «۱» ماده ۱۳۲ و ماده ی ۱۳۵ ق.م

ماده ۱۳۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد.»

ماده ۱۳۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجرا می‌گردد.

تبصره- در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

حقوق جزای اختصاصی

۱۳۶. «الف»، «ب» را به جنایت بر عضو «ب»، اکراه غیر قابل تحمل می‌کند و جنایت محقق می‌شود.

جنایت به چه کسی منتسب است و چه مجازاتی دارد؟

۱. «الف»- دیه ۲. «الف»- دیه و تعزیر ۳. «الف»- قصاص ۴. «ب»- تعزیر

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۳۷۷ ق.م.ا.

ماده ۳۷۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «اگره در جنایت بر عضو موجب قصاص اگراه کننده است.»

۱۳۷. اگر صاحب حق قصاص برخلاف مقررات اقدام به قصاص کند، مجازات وی کدام است؟

۱. تعزیر
۲. ديه و تعزیر
۳. مجازاتی ندارد
۴. قصاص

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۲۰ ق.م.ا.

ماده ۴۲۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «اگر صاحب حق قصاص، بر خلاف مقررات اقدام به قصاص کند به تعزیر

مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.»

۱۳۸. «الف» انگشت «ب» را قطع می‌کند و «ب» آن را پیوند می‌زند. حکم «الف» چیست؟

۱. با انتخاب «ب»، حکم به قصاص یا ديه صادر می‌شود

۲. قصاص می‌شود

۳. ديه و تعزیر

۴. در صورتی که پیوند موفق باشد، تنها به پرداخت ديه محکوم می‌شود

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۴۶ ق.م.ا.

ماده ۴۴۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مجنی علیه

قسمت جدا شده را پیوند بزند، قصاص ساقط نمی‌شود.»

۱۳۹. «الف»، «ب» را که محکوم به قصاص نفس است فراری می‌دهد. مجازات او چگونه تعیین می‌شود؟

۱. به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود

۲. تا زمان تحویل محکوم، در زندان باقی می‌ماند

۳. به قصاص محکوم می‌شود

۴. علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به پرداخت دیه محکوم می شود

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۴۳۴ ق.م.ا.

ماده ۴۳۴ قانون مزبور اشعار می دارد: «هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد به تحویل وی الزام می شود. اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است، بازداشت فراری دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری دهنده را بازداشت کند. اگر مرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری دهنده آزاد می شود و صاحب حق قصاص در همه موارد قصاص نفس و عضو، می تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او، دیه را از اموال وی یا فراری دهنده بگیرد. فراری دهنده می تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند.»

۱۴۰. «الف» نمونه تقلبی شمشیر داریوش سوم را می سازد و آن را به عنوان شمشیر اصلی به «ب» می فروشد. «ب» با علم به تقلبی بودن آن را می خرد. مجازات «الف» و «ب» کدام است؟

۱. «الف» به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم می شود و «ب» مجازاتی ندارد

۲. «الف» به مجازات کلاهبرداری محکوم می شود و «ب» مجازاتی ندارد

۳. هردو به عنوان مباشر جرم به کیفر تعزیری محکوم می شوند

۴. «الف» به مجازات کلاهبرداری و «ب» به مجازات معاونت در کلاهبرداری محکوم می شود

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ۵۶۶ مکرر ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات).

ماده ۵۶۶ قانون مزبور اشعار می دارد: «هر کس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می شود.»

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیایی اطلاق می گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می گردد.

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می گردد. حکم این تبصره شامل اشیایی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می گردد.»

۱۴۱. «الف» و «ب» مالک مالی هستند که ارزش آن معادل ۱۰ نخود طلای مسکوک است. سهم الف ۴۰ درصد و سهم ب ۶۰ درصد است. الف بدون رضایت ب آن را مخفیانه از حرزی که متعلق به ب است می رباید؛ الف مرتکب کدام جرم شده است؟

۱. سرقت تعزیری ۲. جرمی مرتکب نشده است ۳. خیانت در امانت ۴. سرقت حدی

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد بند «ج» ماده ی ۲۶۸ ق.م.ا.

ماده ۲۶۸ قانون مزبور اشعار می دارد: «سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:

الف- شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.

ب- مال مسروق در حرز باشد.

پ- سارق هتک حرز کند.

ت- سارق مال را از حرز خارج کند.

ث- هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.

ج- سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.

چ- ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

ح- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.

خ- سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد.

د- صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند.

ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

ر- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.

ز- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

ژ- مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد.»

۱۴۲. «الف» که از کارکنان یکی از بنیادهای انقلابی است، بدون آن که قصد تملک داشته باشد، رایانه متعلق به بنیاد را برای دخترش به منزل برده و پس از چند روز آن را باز می‌گرداند. الف مرتکب کدام جرم شده است؟

۱. تصرف غیرقانونی ۲. خیانت در امانت ۳. مرتکب جرمی نشده است ۴. اختلاس

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۵۹۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات).

ماده ۵۹۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه‌ی قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آن‌ها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.

۱۴۳. فردی به وسیله سامانه رایانه‌ای، تصویر دیگری را تغییر داده و آن را منتشر می‌کند، به نحوی که موجب ریختن آبروی او می‌شود. او به مجازات چه جرمی محکوم می‌شود؟

۱. نشر اکاذیب ۲. استفاده از داده مجعول ۳. جعل رایانه‌ای ۴. هتک حیثیت

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۶ قانون جرایم رایانه ای.

ماده ۱۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرکس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

۱۴۴. متصدی یک مغازه تایپ و تکثیر، برای چاپ کردن فایلی، آن را از روی دیسک مشتری بر روی رایانه خود کپی کرده و آن را چاپ می‌کند و پس از چاپ کردن، نسخه کپی را حذف نمی‌کند. کدام مورد، صحیح است؟

۱. متصدی به مجازات شنود غیرمجاز محکوم می‌شود

۲. در صورتی که مشتری اجازه کپی کردن نداده باشد، متصدی به مجازات سرقت رایانه‌ای محکوم می‌شود

۳. در صورتی که مشتری اجازه کپی کردن نداده باشد، متصدی به مجازات جرم دسترسی غیرمجاز محکوم می‌شود

۴. متصدی مرتکب جرمی نشده است

گزینه ۴ صحیح است.

از آنجایی که مرتکب با رضایت مشتری اینکار را (کپی) انجام داد و سپس فایل مزبور را پاک نکرد فلذا چون در لحظه ی وقوع رفتار فیزیکی قصد سرقت نبود و انتقال فایل با رضایت مالک بود بنابراین سوء نیت بعدی وی در عدم پاک کردن فایل، موجبی برای جرم محسوب شدن نیست.

۱۴۵. «الف» از طرف «ب» به «ج» که یک مأمور دولتی است وعده پرداخت وجهی را می‌دهد. «ج» پس از مذاکره به دلیل عدم توافق بر مبلغ، از قبول آن وعده سر باز می‌زند. «الف» به چه مجازاتی محکوم می‌شود؟

۱. راشی ۲. شروع به ارتشا ۳. قابل مجازات نیست ۴. مرتشی

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۵۹۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات).

ماده ۵۹۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هر کس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشی از ارتشا به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره: در صورتی که رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.»

۱۴۶. فردی عمدتاً دود ماده‌ای مست‌کننده را استنشاق می‌کند. حکم او چیست؟

۱. تنها در صورتی که مست شود، به حد مصرف مسکر محکوم می‌شود

۲. به مجازات تعزیری بابت استعمال این ماده محکوم می‌شود

۳. به حد مصرف مسکر محکوم می‌شود

۴. تنها در صورتی که ماده مست‌کننده خالص باشد به مجازات تعزیری بابت آن محکوم می‌شود

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۶۴ ق.م.ا.

ماده ۲۶۴ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

تبصره- خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هر چند مستی نیارد.»

۱۴۷. «الف» به قصد کشتن جنین، به شکم مادر ضربه‌ای می‌زند. جنین پس از زنده متولد شدن، بر اثر همان ضربه فوت می‌کند. حکم «الف» چیست؟

۱. فقط به پرداخت دیه محکوم می‌شود

۲. علاوه بر پرداخت دیه جنین، به تعزیر محکوم می‌شود

۳. فقط به تعزیر محکوم می‌شود و عاقله، دیه جنین را می‌پردازد

۴. به قصاص نفس محکوم می‌شود

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ماده ۳۰۶ ق.م.ا.

تبصره ماده ۳۰۶ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «تبصره- اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.»

۱۴۸. کسی در یک کوچه تاریک، به تصور این که سیاهی انتهای کوچه، حیوانی است و برای دفع حمله احتمالی، سنگی به سوی او پرتاب می‌کند، ولی سیاهی در اصل یک انسان در حال تردد بوده که سنگ به سر وی اصابت کرده و مجروح می‌شود. جنایت از کدام نوع است؟

۱. عمد ۲. خطای محض ۳. شبه عمدی ۴. جنایت نیست

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد بند «ب» ماده ی ۲۹۱ ق.م.ا.

ماده ۲۹۱ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.»

۱۴۹. فردی دو پسر ۱۲ و ۱۳ ساله را برای ارتکاب لواط به هم می‌رساند. حکم او چیست؟

۱. در صورت تکرار به حد قوادی و در غیر این صورت به تعزیر محکوم می‌شود

۲. به حبس و شلاق تعزیری محکوم می‌شود

۳. به حد قوادی محکوم می شود

۴. در صورت وقوع لواط، به حد قوادی و در غیر این صورت به تعزیر محکوم می شود

گزینه ۲ صحیح است.

ماده ۲۴۴ قانون م.ا اشعار می دارد: «کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست لکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.»

۱۵۰. «الف» با تنظیم سند رسمی، آپارتمان خود را به «ب» می فروشد و پس از فروش، با سند عادی آن را به «ج» اجاره می دهد. عنوان مجرمانه رفتار «الف» کدام است؟

۱. معامله معارض ۲. تصرف عدوانی ۳. فاقد عنوان مجرمانه ۴. انتقال مال غیر

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد قانون انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸.

ماده ۱ قانون مزبور اشعار می دارد: «کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون عمومی محکوم می شود. و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد. اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوائر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون جرم محسوب خواهد شد - هر یک از دوائر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند.»

۱۵۱. کدام یک از جرایم زیر، متضمن نقض محرمانگی اطلاعات طبقه بندی شده است؟

۱. اقدام تروریستی ۲. جاسوسی ۳. جرم سیاسی ۴. تشکیل جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۳ قانون جرایم رایانه ای.

ماده ۳ قانون مزبور اشعار می دارد: «هرکس به طور غیرمجاز نسبت به داده ای سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سیستم های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات های مقرر محکوم خواهد شد:

الف) دسترسی به داده ای مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست تا شصت میلیون ریال یا هر دو مجازات.

ب) در دسترس قرار دادن داده ای مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) افشا یا در دسترس قرار دادن داده ای مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱- داده ای سری داده ای است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می زند.

تبصره ۲- آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص داده ای سری و نحوه طبقه بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید»

۱۵۲. در تحقق کدام یک از جرایم زیر، ورود ضرر، شرط تحقق جرم است؟

۱. جعل یک اجاره نامه

۲. تقدیم تاریخ چک از سوی دارنده چک

۳. صدور تصدیق نامه خلاف واقع علیه دیگری

۴. ساختن مهر یک شرکت غیردولتی

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۵۴۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات).

ماده ۵۴۰ قانون مزبور اشعار می دارد: « برای سایر تصدیق نامه های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه ی دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا ۷۴ ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

۱۵۳. آقای «الف» عمداً دو انگشت دست راست خانم «ب» را قطع می کند. حکم او چیست؟

۱. محکوم به قصاص دو انگشت می شود

۲. پس از دریافت دیه یک انگشت، محکوم به قصاص دو انگشت می شود

۳. بسته به نظر مجنی علیه، دو انگشت یا پرداخت حداکثر دیه یک انگشت محکوم می شود

۴. محکوم به قصاص یک انگشت می شود

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۳۸۸ ق.م.ا.

ماده ۳۸۸ قانون مزبور اشعار می دارد: « زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می کند، به قصاص محکوم می شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می شود.»

*دیه هر انگشت، یک دهم دیه کامل است.

۱۵۴. غیرمسلمانی پس از شرب خمر در خانه اش، در حال مستی در خیابان ظاهر می شود. چه حکمی در خصوص او صادر می شد؟

۱. به مجازات مقرر برای تشویق به فساد محکوم می شود

۲. به حد مصرف مسکر محکوم می شود

۳. عمل او فاقد عنوان کیفری است

۴. به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می شود

گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ماده ی ۲۶۶ ق.م.ا.

ماده ۲۶۶ قانون مزبور اشعار می دارد: « غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می شود.

تبصره- اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می گردد.»

۱۵۵. «الف» صدمه ای به «ب» وارد می کند که در اثر آن، مجنی علیه بیهوش شده و به حالت اغما فرو می رود. پس از سه روز «ب» بدون هیچ آسیبی به هوش می آید. جنایت چه حکمی دارد؟

۱. نسبت به سه روز، ارزش ثابت می شود

۲. جانی باید ديه زوال عقل را بپردازد

۳. هيچ ضمانتی در پی ندارد

۴. جانی و مجنی عليه باید مصالحه کنند

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۶۸۰ ق.م.ا.

ماده ۶۸۰ قانون مزبور اشعار می دارد: «هرگاه در اثر جنایتی مجنی عليه بیهوش شود و به اغماء برود، چنانچه منتهی به فوت او گردد، ديه نفس ثابت می شود و چنانچه به هوش آید، نسبت به زمانی که بیهوش بوده، ارزش ثابت می شود و چنانچه عوارض و آسیب های دیگری نیز به وجود آید، ديه یا ارزش عوارض مزبور نیز باید پرداخت شود.»

۱۵۶. پرداخت ديه در جنایت بر کدام مورد، «حال» است؟

۱. زن، مشروط بر آن که کمتر از یک سوم ديه کامل باشد

۲. جنین

۳. میت

۴. اعضا مشروط بر آن که کمتر از یک دهم ديه کامل باشد

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۷۲۵ ق.م.ا.

ماده ۷۲۵ قانون مزبور اشعار می دارد: «دیه جنایت بر میت حال است مگر اینکه مرتکب نتواند فوراً آن را پرداخت کند که در این صورت به او مهلت مناسب داده می شود.»

۱۵۷. اگر کسی به مجازاتی غیر از سلب حیات محکوم شده است، بدون عمد یا تقصیر مجری حکم، در

اثر اجرای مجازات کشته شود، حکم آن چیست؟

۱. در قصاص، ضمان منتفی است ولی در حدود و تعزیرات، ديه از بیت المال پرداخت می شود

۲. در حدود و قصاص، ضمان منتفی است ولی در تعزیرات، ديه از بیت المال پرداخت می شود

۳. در تعزیرات، ضمان منتفی است ولی در حدود و قصاص، ديه از بیت المال پرداخت می شود

۴. چون عمد یا تقصیری در کار نبوده، فارغ از نوع مجازات، ضمان منتفی است

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۸۵ ق.م.ا.

ماده ۴۸۵ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود. در غیر این صورت در مورد قصاص و حد، ضمان منتفی است و در تعزیرات، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

تبصره - چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم‌علیه باشد ضمان منتفی است.»

۱۵۸. اگر مستأجر ملکی به عنوان مالک، تقاضای ثبت ملک را بکند، عملش مستوجب چه مجازاتی است؟

۱. خیانت در امانت ۲. کلاهبرداری ۳. تصرف عدوانی ۴. جعل در اسناد ثبتی

گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۱۰۷ قانون ثبت.

ماده ۱۰۷ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هر کس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و بطور کلی هر کس نسبت بملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت انرا بکند به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد.»

۱۵۹. «الف» با مراجعه به یک شخص نیکوکار، به دروغ وانمود می‌کند که سند ازدواجی که در دست اوست مربوط به دخترش است و برای تهیه جهیزیه او، نیاز به کمک مالی دارد و از این طریق، با فریب شخص نیکوکار، مبلغ ۱۰ میلیون تومان از او دریافت می‌کند. رفتار «الف» مشمول کدام یک از عناوین زیر است؟

۱. دروغ صرف و فاقد عنوان مجرمانه ۲. تکیه
۳. کلاشی ۴. توسل به وسایل متقلبانه و کلاهبرداری

گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری.

ماده ۱ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکتهای یا تجارتخانه‌های یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود...»

۱۶۰. «الف» به «ب» می‌گوید: «تو با فلان زن زنا کرده‌ای». حکم «الف» چیست؟

۱. نسبت به مخاطب، مرتکب توهین و نسبت به آن زن، قاذف محسوب می‌شود
۲. هم نسبت به مخاطب و هم نسبت به آن زن، قاذف محسوب می‌شود
۳. فقط نسبت به مخاطب قاذف محسوب می‌شود
۴. هم نسبت به مخاطب و هم نسبت به آن زن، مرتکب توهین محسوب می‌شود

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۴۹ ق.م.ا.

ماده ۲۴۹ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «هرگاه کسی به دیگری بگوید «تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده‌ای» فقط نسبت به مخاطب، قاذف محسوب می‌شود.»

ارتباط با نویسنده: شناسه تلگرام

@law881231

→ [برای عضویت در کانال تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای عضویت در خبرسان تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اخبار اینجا کلیک کنید](#) ←

→ [برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اخبار عضو شوید](#) ←